

چون تشکيات تجار از ملك التجار هر روزه باعث تصديع خاطر اقدس اعلى بود ، لهذا رأى ملوكا نه چنين علاقه گرفت كه اين مسأله در مجلس محترم شورای ملی مطرح مذاكره شده قرار قطعی داده بموقع اجرا گذارده شود اگر چه اين كار از وظیفه مجلس خارج است ولی چون اهميت دارد اين كار را بطور فوق العاده قبول نموده قرار آن را بگذاريد .

و نیز دستخط اعليحضرت كه در اين خصوص صادر شده بود قرائت شد قريب به اين مضمون ذيل :

دستخط اعليحضرت

جناب اشرف صدر اعظم - در باب عمل ملك التجار و تجار لازم است كه قرار قطعی گذارده شود تجار آسوده شوند لهذا امر می فرمائيم اين مطلب را رجوع به مجلس شورای ملی نمائيد زودتر قرار قطعی بگذارند كه فوراً بموقع اجرا گذارده شود .

قرار شد يازده نفر برای اين مسأله از مجلس منتخب شوند . بعضی هم گفتند [بايد در] يك مجلس عمومی هم ملك التجار را حاضر كرد . جناب حجة الاسلام آقای بهبهانی فرمود چون اين امر را اعليحضرت رجوع به مجلس فرموده اند و مجلس هم برای كسب و تحصيل شرافت و اطاعت امر همايونی بايد اين عمل را بطور صحيح اصلاح نمايد مشروط بر اينكه حاج ملك التجار فقط يك دفعه در اين مجلس عمومی حاضر شود برای تحرير دعوا و بعضی هم بعضی گفتگو ها نمايند و رئيس هم صورت دعوا را ضبط كند كه بعد ها نتواند تغيير در دعوا بدهد .

روز دوشنبه سويم صفر ۱۳۲۵ - امر و تجار اصفهان تعطيل [كرده] و از اصفهان متوالياً تلگرافات مخابره می شود كه ما ظل السلطان را نمی خواهيم . شاهزاده فرمانفرما هم از كرمان آمده است مشغول رشوه دادن و رفع تعديات آقا سيد علاء الدين می باشد در باب تصرف زهين درشت .

از يکی شنيدم كه شاهزاده فرمانفرما در وقت تشرف به حضور همايونی عرض كرده بود تا می توان بايد مردم را به حال خود گذارد و آنچه پيش آيد از بی نظمی و هرج و مرج برای ما بهتر و خوشتر است بنده نكارنده در خلوت اين اشتها را به شاهزاده فرمانفرما گفتم خیلی تعجب كرد و گفت دليلی از برای مشروطه خواهی و عدالت طلبی خود بهتر از حال خود ندارم كه بواسطه استبداد مدتی در بدر [بودم] و در ممالك عثمانی بسر بردم سال گذشته كه مرا به حكومت كرمان مفتخر كردند ، متجاوز از يك ماه در قم مانده و استدعا كردم اذن و اجازه دهند كه دوسه روزی بيايم خانه خود و اسباب زندگی خود را ديده بر كردم ، ممكن نشد ، حالا چه بهتر از اينكه ابواب سعادت به روی اهل ايران باز گردد

نه من به کسی ظلم و ستمی وارد آورم و نه کسی بتواند مرا از خانه خود منع نماید .

این ایام شاهزاده ظل السلطان در طرف شرقی طهران و شاهزاده فرمانفرما در طرف غربی طهران نشسته‌اند و مثل ریگ پول خرج می‌کنند از یک طرف هم سپهدار برای حفظ شرف و دین خود پول خرج می‌کند تا به حال مردم از تکفیر می‌ترسیدند، حالا هم از تکفیر و هم از نسبت دادن به استبداد خائف می‌باشند .

روز سه‌شنبه چهارم صفر ۱۳۲۵ - مذاکرات و کلا امروز در چند امر بود اول حاج ملک محمد و کیل کرمانشاه دو ورقه تلگراف که از طرف اهالی کرمانشاه رسیده بود ، قرائت کرد قریب به مضمون ذیل است :

تلگراف اول

توسط وکلای کرمانشاه حضور حجج اسلام و روسای مجلس شورای ملی، در این پنج شبانه‌روز که به تلگرافخانه متحصن شدیم نتیجه این شده که چند نفر از علمای گرگ سیرت محض خاطر چند نفر مغرضین که حکم به تبعید آنها شده بود ، نکذاشتند تبعید شوند علاوه در خانه رئیس العلماء جمع شده با اشرار و سرباز در پشت بام رفته حکم به جهاد نموده قریب یک ساعت سینه ما بیچارگان را هدف گلوله ساخته چهار نفر مقتول و چند نفر مجروح و هنوز معلوم نیست مجروحین از زوار و سادات و غیره چند نفر هستند . اگر اساس مجلس محترم شورای ملی برای رفع تعدیات است برای خدا چاره نمایید .

ایشاً تلگراف دوم

از طرف مجلس مقدس امضای دائر بودن انجمن و از طرف اولیای دولت تبعید مغرضین رسید امروز صبح خواستیم برویم ، مخالفین خانه آقا ابوالقاسم جمع شده در بالای خانه خود با مصمصام السلطان و جمعیت ما را شلیک کردند پسر قوام الرعایا با شش نفر مقتول تلگراف به مجلس و به خاکپای همایونی کردیم نتیجه این شد ، امیرافخم معزول به این وضع چطور برویم به خانه های خود ؟ کار سخت شده .

رئیس مجلس جناب صنیع الدوله گفت: غیر از اهالی آذربایجان که به ترتیب صحیح انتخاب وکلای خود را نموده با احترام روانه کردند ، سایر ولایات نفهمیدند و اغراض سابقه خودشان را در این مورد بروز دادند مثل قزوین و کرمانشاه و غیره .

دیگر در خصوص مالیات و اصلاح بودجه مذاکره شد و ثوق الدوله چند کلمه صحبت نمود که ما عین کلام او را در این تاریخ درج می‌نمائیم برای اینکه کاشف از حالت حالیه مملکت است و الا مادر مقام درج مذاکرات و کلا نمی‌باشیم باری و ثوق الدوله که یکی از

و کلا و مستوفیان است چنین گفت: این چند روزه در کمیسیون مالیه مذاکرات خیلی شد و نتیجه مذاکرات این شد که قبل از ممیزی علمی تفاوت عملی که حکام کل معامله می نمایند در دستورالعمل جمع شود دیگر آنکه جنس دیوانی تغییر و مبادله به نقد می شد و دیوان عین جنس بگیرد، یکی هم ممیزی سیستان و غیره که پارسال شده بود و آصف الدوله خواهش کرد مبلغی از آن در حق خود و اتباعش مواجب برقرار شود این هم داده نشود و در دستورالعمل جمع شود.

یکی گفت تفاوت عمل جزو مالیات نبوده حکام به ظلم می گرفته اند حالا چگونه می شود گرفت؟ و ثوق الدوله گفت: اولاً باید دانست برای مصلحتی این کار می شود و آن [مصلحت] این است که شش کرور خرج بیش از دخل است یعنی مالیات شانزده کرور است و خرج بیست و یک (۱). لابد باید این اصلاح بشود یا باید به جمع افزوده شود یا از خرج کسر شود و این هم نمی شود مگر بعد از ممیزی علمی و آن هم طول دارد پس باید اصلاحاتی قبل از ممیزی بشود حال این تفاوت عملی که حکام کل می گرفتند از دست برود یا در دستورالعمل جمع شود؟ پس از مذاکرات بسیار باز و ثوق الدوله گفت تفاوت عمل چیز تازه [ای] نیست همان است که حکام می گرفتند و اینکه آن را اصلاح کنیم که از غنی و فقیر بالسویه گرفته شود این بعد از ممیزی علمی است زیرا که اگر ما بتوانیم از برای اصلاح این امر فکری بکنیم، برای اصل می کنیم این همان ترتیب جاری است که بود.

مطلب دوم - این است که در زمان صدارت عین الدوله بعضی را فرستادند که حدود خراسان از سیستان و قوچان و توابع آن را ممیزی کردند نتیجه ممیزی که وزیر مالیه تحقیق کردند هشتاد هزار تومان نقد و هشتاد هزار خروار جنس شد ولی سی هزار تومان آن را آصف الدوله استدعا کرده بود که به اتباع او مواجب داده شود و از هشتاد هزار تومان موضوع بود. کمیسیون در این باب رای داد که این سی هزار تومان موضوع نشود و در جزو دستورالعمل نوشته شود.

سوم - تسعیر جنس به نقد که هر کس خالصه خریده بود آن جنس را تبدیل به نقد کرده بودند و این کم کم سرایت در خیلی جاها کرده بود کمیسیون در این باب هم رای داد که عین جنس را دیوان بگیرد و تسعیر نشود.

این مذاکرات و ثوق الدوله چون خیر از وضع مالیه می دهد لذا درج شد.
روز چهارشنبه پنجم صفر ۱۳۲۵ - امروز مجلس تعطیل است و تلگراف جناب حجة الاسلام آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی را که از کرمانشاه مخاپره کرده اند درج می نمایم و هذا صورته:

تلگراف

خدمت جناب مستطاب ملاذوالاسلام آقای آقامیرزا مصطفی آشتیانی دام عزه به مجلس محترم شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه معروض می‌دارد - بحمدالله تعالی از برکت توجهات مقدسه حضرت ولی عصر ارواح العالمین فداء ظهور عنایات کامله ملوکانه ادام‌الله تعالی سلطانه در انتظام امور مجلس محترم که اسباب نشر عدالت و ترقی دین و دولت و مملکت است موجب تشکر و امیدواری عموم و مخصوصاً در این موقع تشرف جناب مستطاب شریعتمدار سفاةالمجتهدین الاعلام رکن الاسلام آقای حاج شیخ مرتضی آشتیانی دامت برکاته بیانات مفصله شفائیه ایشان در حسن ترتیبات و فواید مجلس محترم برای دین و دولت و عزیمت راسخه شاهانه در استحکام اساس این امر و اجرای نظامنامه اساسی بر مراتب دعاگوئی ها و امیدواری‌ها افزود و چون در جمله از بلاد خصوصاً آذربایجان غیر این معنی توهم و موجب شورش و پریشانی عمومی شده مظننه نشفساد و ترتیب مفاسد و انقلاب می‌رود و محتمل است ، لهذا بذل مزید عنایت مجدانه خسروانه در استحکام امر مجلس محترم تلگرافاً استدعا شده امید است که انشاءالله تعالی به اقتضای کمال دین‌پروری و مملکت داری قرین اجابت فرموده‌اند و انشاءالله تعالی از خود مجلس محترم شرح عنایت کامله ملوکانه در نفوذ و استحکام این امر به جمیع بلاد اعلام و عموم مسلمین را قرین مزید دعاگوئی و به عدالت نوشیروانی آن ذات اقدس امیدوار فرمایند انشاءالله تعالی - الاحقر محمد کاظم خراسانی. (۱)

روز پنجشنبه ششم شهر صفر ۱۳۲۵ - امروز دو نفر از وکلاء آذربایجان ورود به مجلس کردند یکی جناب حاج آقامیرزایحیی امام جمعه خوی و دیگری حاجی محمد آقا حریز اولی از علماء ودویمی از تجار است در مجلس شورای ملی پذیرفته شدند . مذاکرات مجلس در امر نظامنامه عدلیه بود که رئیس گفت : مؤتمن‌الملك مشغول نوشتن نظامنامه است پس از ترجمه و استنساخ به مجلس آورده و قرائت خواهد شد .

دیگر در امر مالیه و اصلاح مالیات مذاکره شد قدری هم در باب تفاوت عمل و قدر مالیات مذاکره شد در این اثناء هیأت جدید وزراء هشتگانه که بر حسب اراده علیه‌اعلیحضرت کابینه سابق وزراء تغییر کرده بود برای معرفی به مجلس محترم مقدس شورای ملی آمدند بعد از ادای رسوم پذیرائی و تهنیت و تبریک از طرف مجلس هیأت محترم وزراء معرفی شدند از قرار ذیل :

نایب‌السلطنه (وزیر جنگ) ، فرمانفرما (وزیر عدلیه) ، علاءالسلطنه (وزیر امور خارجه) ،

وزیران (وزیر داخله) ، ناسرالملك (وزیر الیه) ، مخبر السلطنه (وزیر علوم و معارف) ، مهندس الممالك (وزیر فواید عامه) ، وزیر همایون (وزیر تجارت) چون وزیر جنگ بواسطه کسالت مزاج به مجلس نیامده بود دبیر الدوله به سمت معاونی وزارت جنگ معرفی شد .

جناب صدراعظم مشیر الدوله هم استعفا داده و تمارض نموده است .

وزیر داخله تعلق مختصری در اتحاد دولت و ملت نمود جناب آقا سید عبدالله هم اظهار تشکر نمود و کلاء اظهار داشتند که وزراء باید قسم بخورند که خیانت به دولت و ملت ننمایند . وزیر داخله گفت فردا که جمعه است ، ان شاء الله پس فردا جمع شده در حضور اعلیحضرت همایونی با حضور حجج اسلام قسم یاد می نمایم .

وزیر عدلیه فرمانفرما تعلق کرد که هیچ روزی مبارک تر از امروز نیست که تماماً با جان و مال برای ترقی مملکت حاضر شد . اندر اینته همه حاضرین قسم یاد نماییم و ابائی از قسم نداریم . و کلاء و تماشاچیان اظهار مسرت کردند و تشکر نمودند .

وزیر داخله صورت ادارات جزو وزارتخانهها [را] که مرشح به دستخط عمایونی بود ، داد به رئیس و قرائت نمودند و صورتش از قرار تفصیل ذیل است :

صورت ادارات جزو وزارتخانهها

وزارت عدلیه

اداره محاکمات داخلی .

وزارت خارجه

اداره تشریفات - اداره تذکره - اداره محاکمات خارجه - اداره پولتیکی - قونسولگری .

وزارت داخله

اداره ایالات - اداره تلگراف - اداره پست - اداره نظمیة - مجلس - اداره قراسوران - اداره بلدیه - اداره پلیس و ژاندارم - اداره حفظ الصحه .

وزارت مایه

اداره مالیات - اداره گمرکات - اداره خالصجات - اداره ضرابخانه - اداره وظایف - اداره تفتیش محاسبات .

وزارت جنگ

اداره مخزن - اداره ذخیره - اداره قورخانه و کارخانجات نظامی - اتلماژور - اداره محاسبات نظامی - اداره توپخانه - اداره سواره نظام - اداره پیاده نظام - اداره محاکمات عسکری - اداره بحریه (در ممالکی که بحریه دارند وزیر مخصوصی دارند) .

وزارت علوم

اداره مدارس - اداره اوقاف - اداره مطبوعات - اداره حفريات موزه - اداره مطبعه دولتی - اداره ابنیه عتیقه .

وزارت فواید عامه

اداره طرق و شوارع - اداره معادن - اداره راه شوسه و آهن و جنگلها .

وزارت تجارت

اداره تجارت - اداره محاکمات تجارتي داخله - اداره فلاحه - اداره صنایع .
در ذیل آن صورت این طور دستخط همايونی صادر شده بود :

وزیر داخله ! مطابق این صورت به مجلس معرفی کنید .
جمعه هفتم صفر ۱۳۲۵ - این ایام طلاب در انجمن خود خطابه های هیجان آمیز می خوانند و انجمن های دیگر هم مفتوح و خوب ناظر به حال و کلاء می باشند . بعض مخالفت ها و اعمال مستبدانه هم از وزراء دیده می شود .

ممتازالدوله پسر اکرم السلطنه که سابقاً در دستگاه عین الدوله بود ، این روزها آمده است اداره عدلیه را مرتب می کند و چون این جوان عالم و درس خوانده و در معالک خارجه تربیت شده و از قوانین مملکت عثمانی با اطلاع است ، امیدواریم که اداره عدلیه را مرتب و منظم و منقح نماید و شاهزاده فرمانفرما هم نسبت به سایر شاهزادگان تجربیاتش پیش و طمعش کمتر است اگر چه باحالات مستبدانه عادی است لکن امیدواری حاصل است .
روزشنبه هشتم صفر ۱۳۲۵ - امروز تلگرافی از تبریز در مجلس قرائت شد قریب به این مضمون :

مضمون تلگراف تبریز

جناب سعدالدوله و وکلای محترم آذربایجان ، این سیم تلگراف متحصنین اجزاء گمرک و پست است که مخایره کرده ایم تا حال جواب نرسیده اگر ترتیب در کار است چرا جواب نمی آید ؟ حجج اسلام به تنگ آمده اند ملت هم باجان ایستاده اند علی العجالة آقای ثقة الاسلام و جمعی حضوراً علیحضرت تلگرافاً عرض کرده اند صورت معاهده و قراردادنامه استقراض از دولتین را خواسته اند که ملاحظه شود برشما وکلای محترم لازم است که قراردادنامه استقراض را بخواهید و ملاحظه نموده اطلاع بدهید و عرایض اهالی آذربایجان را برسانید احقاق حق شود .

بعضی از وکلاء گفتند : اجزاء پست چرا خودشان را داخل کرده [اند] ؟ وازدیروز ادارات ایرانی شده جواب داده شد : هنوز اداره پست از [دست] بلژیکی ها خارج نشده .

مدتی در این ماده مذاکره شد بعد در باب تفاوت عمل مذاکره شد تا اینکه رأی داده شد که تفاوت عمل جزو اصل مالیات باشد قدری هم در باب ممیزی علمی و عشر قرار دادن مالیات را ، مذاکره نمودند .

روز یکشنبه ۹ شهر صفر ۱۳۳۵ - در باب تفاوت عمل چون دیروز تردید شد لذا امروز رأی گرفته شد که تفاوت عملی که حکام کل در محل معامله می کردند در هذمه السنه جمع دستور العمل بشود بعد در باب راپورت انجمن مالیه قدری مذاکره شد در آخر مجلس جمعی از و کلاء محترم اظهار داشتند از قرار معلوم عبدالله خان همدانی سردار مکرم را که پیشکار شعاع السلطنه بود با آن بی شرفی ها و بی اعدالی ها و ظلم ها که در شیراز کرد می خواهند به حکومت کردستان که سرحد است بفرستند ، آیا سزاوار است چنین شخصی که خیانت باطن و خساست طینت او بر همه معلوم است مأمور حکومت شود و حافظ حدود جمعی از مسلمانان باشد ؟ عیادت مجلس اگر خیر خواه دولت و ملت است باید خواستار شود که از این قبیل اشخاص به حکومت نروند بعد از فی الجمله مذاکره تمامی و کلاء تصدیق کردند و قرار شد رقعہ [ای] از طرف مجلس محترم مقدس در این باب به وزیر داخله بنویسند .

روز دوشنبه دهم شهر صفر ۱۳۳۵ - اشخاصی که صاحب تیول می باشند این ایام بواسطه آنکه مجلس تیول را خیال دارد برگرداند ، در مقام اختلال و فساد برآمده و چون اکثر ارباب حل و عقد صاحب تیول می باشند ، لذا محتمل است اختلال در امر مشروطیت نمایند ؛ علیهذا امروز در انجمن مخفی این سؤال را مطرح کرده و رو کردم به جناب ذوالریاستین کرمانی و آقاسید برهان الدین خلخالی و گفتم: چند سال زحمت کشیدید تا به این مرتبه از حریت نایل آمدیم ، حالا که زمان نتیجه و رسیدن به مقصود است می بینید از یک طرف مخالفت مستبدین که علناً رفته اند در زاویه مقدسه متحصن شده اند که ما عدالت نمی خواهیم و از یک طرف ضدیت رؤسا و صاحبان مسند ، از یک طرف مسامحه و کلاء، از یک طرف اجحافات اجزاء بعضی آقایان و آقازاده ها ، حال گروهی هم معاند این اساس شوند بواسطه رد تیول و کسر حقوق عمأ قریب این اساس منهدم [خواهد شد] و این مقدمات و زحمات بی نتیجه و بی فایده خواهند ماند، فکری در این باب نمائید و علاجی نمائید. رفقا جواب دادند مقصود ماییداری مردم و عالم شدن آنها به حقوق خود بوده و هست و بحمدالله تا یک اندازه حاصل شده است اگر بنا باشد برای این تیول مردم از عقیده خویش برگردند و باز راضی به عبودیت مخلوق و آن ظلم های سابق شوند، پس باید این مردم را به حال خویش گذارد ولی ضرر ندارد رؤساء و حجج اسلام را مقننه به این مطلب و متوجه به این مقصود ساخت بلکه جاوگیری نمایند لذا بنده نکارنده جناب حجة الاسلام آقای طباطبائی را ملاقات نموده عرض کردم در باب رد تیول خوب است مجلس تعجیل نکند چه سال دیگر هم ممکن است این حکم را بنماید و انکھی اگر تعدیل علمی و ممیزی صحیح بشود، فرقی

نمی‌کند که تیول رد شود یا در تصرف ارباب تیول باشد بعضی از حاضرین مذکور ساختند مقصود این است که مردم و رعایا آسوده شوند چه امروز رعایا در تحت فشار ارباب تیول و حکومت‌ها می‌باشند ولی اگر تیول رد شد دیگر ظلم اربابان تیول را ندارند .

بنده نگارنده از این ایراد جواب داد به تعدیل علمی و اشاعهٔ قانون عدلیه به این جهت آقای طباطبائی تا يك اندازه تصدیق فرمود و متقبل شدند که به وکلاء برسانند اگر چه بعضی از وکلا در رد تیول و کسر حقوق مصرمی‌باشند و با اینکه عاقبت امر راهم می‌دانند نمی‌دانم به چه ملاحظه در این امر که چندان اهمیتی ندارد چه عجله دارند ؟

روز سه شنبه یازدهم صفر ۱۳۲۵ - امروز وکلا از کسی وقت مجلس شکایت نمودند رئیس جواب داد بعضی از آقایان وکلا تجارت دارند نمی‌توانند از دو ساعت به غروب مانده زودتر حاضر شوند ولی از آن طرف تا دو ساعت از شب گذشته مجلس منعقد باشد عیب ندارد و آنکه‌ی حالا که خود آقایان گفتند از سه ساعت به غروب می‌آئیم کافی است همه می‌آیند و تا دو ساعت از شب رفته بس است و بیش از این نمی‌شود کار کرد بعضی گفتند متمم قانون اساسی چه شد ؟ رئیس گفت: مشغول نوشتن هستند. جناب آقا میرزا سید محمد طباطبائی فرمود : اولاً - باید تمام اهل مجلس بدانند که در این شهر انجمن‌ها از برای تخریب این مجلس منعقد است و بعضی از اهل مجلس هم در آن انجمن‌ها حاضر می‌شوند ولی این مجلس در تحت حمایت حضرت امام عصر عجل‌الله فرجه بوده ابدأ اعتنائی به این اشخاص نیست و امروز تمام ملت با این اساس مقدس همراه هستند. ثانیاً - چیزی که هست این است که این‌همه ما جان کندهیم و دچار زحمت فوق‌العاده شدیم چیزی که مقصود و منظور بوده هنوز از این مجلس دیده نشده و داخل مجلس ابدأ منظم نیست اول کاری که می‌کنید مجلس را منظم و مرتب کنید هر کس عرضی و تظلمی دارد نمی‌داند به کجا اظهار دارد ؟ يك جائی را قرار بدهید که به عرایض مردم برسند این وضع مجلس نیست یکی نطق می‌کند باید همه گوش دهید نه اینکه چند نفر یکدفعه حرف زده و همه‌ی نمائید يك مطلبی را اقدام می‌کنید يك روز یا دو روز کم یا زیادتر عمرتان را ضایع می‌کنید معهداً ناقص می‌گذارید شروع به مطلب دیگری نمی‌نمائید ما از به هم خوردن مجلس هیچ خوف و ترس نداریم زیرا آن‌هایی که برضدند جزء خار و خاشاک هستند اما وضع داخلی مجلس درست نیست دستورالعمل و حدود حکام بنا بود نوشته شود هیچ خبری نیست همچنین سایر کارها و فعلاً من خواهش از مجلس می‌نمایم مدتی درباب برگردانیدن تیولات و موقوفی تسعیر جنس به واسطهٔ ملاحظاتی که خواهیم گفت دست نگاهدارد .

بعضی گفتند اگر این مسئلهٔ تیولات و غیره درست نشود ، هیچ کار ما درست نیست ما شش [کرور] زاید خرج داریم بر جمع، حضرتعالی می‌فرمائید صبر کنید این را چه کنیم؟ و آنکه‌ی هر رفته که این مجلس بخواهد دست بزند جمعی برضد خواهند شد مثل صاحبان

تیول پس نباید ملاحظه کرد این مجلس پول می‌خواهد اگر بنا شد این کار پیش نرود، هیچ کار پیش نخواهد رفت .

مجملاً پس از مذاکرات بسیار بنا بر رد تیولات شد به این‌طور که اخذ رأی شد در باب سه ماده، اول در باب موقوفی تسعیر جنس که (۸۳) رأی داده شد، دوم در باب برگشتن تیولات (۷۴) [رأی] داده شد، سوم در باب برگشتن سی‌هزار تومان خراسان که عموم و کلاً محترم رأی دادند .

دیگر در باب رفتن بعضی وکلا به ادارات دولتی و لوس شدن آنها قرار شد از طرف مجلس به ادارات دولتی بنویسند که هر گاه یکی از وکلا بروند به آنها رسماً به اسم نمایندگی مجلس گفتگو نمایند، قبول نکنند و در این باب مهر و کاغذ مخصوص مجلس فقط معتبر است .

دیگر قدری شکایت از تلگرافخانه نمودند .

دیگر قدری از وزیر دربار گفتگو شد که با اینکه وزیر مسئول نیست دارد حکومت می‌کند .

دیگر قدری از فرمانفرما وزیر عدلیه مذاکره شد که حکومت کرمان را واگذار به پسر هفده ساله خود نموده که همه‌اش حرف شهوت و هوا و هوس و کارهای طفولیت است .
دیگر تلگرافی از رشت مخابره شده بود که آن را با جوابش قرائت کردند و صورت هر دو قریب به این مضمون است .

مضمون تلگراف رشت که در مجلس قرائت شد

حضور وکلاء معظم - عموم مالکین گیلان عرضه می‌داریم افتتاح این مجلس مقدس شورای ملی به جهت دو امر است یکی عموم ملت در حقوق و حدود مساوی باشند (۱).

دویم - برای تحصیل ثروت است و همه می‌دانند این سرحد معظم ایران وضع معاملات آن غیر از سایر جاهاست محصولاتش تا آخر هر سال وصول می‌شود و رعایا باید مشغول تعمیرات اراضی باشند حال رعایای گیلان همچو فرض کرده اند که معنی سلطنت مشروطه بالمره آزاد بودن و ندادن مالیات است حال رعایای اینجا به این جهت سرکشی نموده مالیات نداده اند و بعضی هم متواری شده و تمام رعیت خانه‌ها مختل است تکلیف چیست ؟

خلاصه جواب تلگراف از طرف مجلس

انجمن ایالتی رشت - تلگرافی امروز از رشت رسید که اسباب حیرت

مجلسیان گردید با وجود انجمن ایالتی در آنجا اهالی رشت به درستی معنی مشروطیت و حریت را نفهمیده‌اند و رعایا بنای خودسری را گذاشته‌اند و عجب تر آنکه انجمن ایالتی اصول مشروطیت را به اهالی آنجا نفهمانده‌اند لهذا مجلس شورای ملی قویاً خواهش می‌نماید که اصول مشروطیت را به مردم فهمانده و رفع این اغتشاشات را نماید که عموم آسوده باشند .

جناب آقا سیدحسن تقی‌زاده در این مقام نطقی کرد اگرچه از وظیفه ما خارج است ولی چون کاشف و مخبر از حال اهالی ایران است لذا نطق ایشان را درج می‌نمائیم که خواننده این تاریخ بداند مردم ایران در چه حالت بوده و می‌باشند و نطق تقی‌زاده از این قرار است :

نطق تقی‌زاده

مقصود از سرکشی رعایا که در این تلگراف خصوصاً و تلگرافات و مکتوبات دیگر که از ولایات می‌رسد گویا این باشد که ارباب‌ها و ملاکین می‌خواهند سرهای رعایا را ببرند و آن‌ها سرشان را در وقت بریدن عقب می‌کشند که این عمل به سرکشی تعبیر می‌شود البته می‌دانید که رعایای ایران بردو قسمند یکی اهالی بلاد که رعیت پادشاه مملکت [اند] و دیگری رعایای بیچاره دهات [که] رعیت بلکه عبد رق سلاطین بی‌اسم ، یعنی ملاکین اند و این دومی‌ها در املاک خودشان سلطنت مستبده می‌رانند یعنی در حقوق و در حدود مدنی و جنایی و سیاستی آن رعایا مداخله و حکمرانی می‌کنند؛ جریمه می‌گیرند؛ چوب می‌بندند؛ تنبیه و همه گونه سیاست و بگیر و ببند ، بزن و بکش بکار می‌اندازند و برمال و جان و ناموس و عصمت دهاتی‌ها دست درازی کرده و مسلط شده اند و هرگز مسئول از اعمال خود نیستند پس حالا که رعایای شهری به استبداد تحمل نیاورده و با پادشاه خود کنار آمده و قراری گذاشته آزاد شدند و سلطنت خودشان را مشروطه کردند، آیا رواست که باز دهاتی‌ها در زیر همان استبداد سابق بمانند؟ اولاً قرار بگذاریم سلطنت آنها هم مشروطه بشود یعنی این مالک که در این خاک و آن اهالی بجز یک بهره را که مالک نیست ؛ سرمال برود و حقوق خود را دریافت کند ، دیگر چه حق دارد چون بالای آسمانی برجان اهالی مسلط شده و فعال مایرید باشد ؟ و بیچاره روستائی (۱) نه ماه تمام خودش و خانواده‌اش و عیال و اولادش در زیر تابش آفتاب کارکنند و غرق عرق شوند و محصول بعمل بیاورند ، هر سال همه را بملایه دار و ندار و جل و پلاس خانه را هم در وجه نقصان ناپذیر (۲) حضرت مالک‌الملک دوباره سه باره بپردازند و در هر دفعه